

زندگی یا مرگ؟!

برای زندگی از جاده ای سخت
عبور می کنم.
جاده سنگلاخ است.
آنچه از این راه دشوار بدست می آورم.
یا زندگی است.
یا مرگ.
زندگی تنها زنده ماندن نیست:
اگر آزاد نباشی
زندگی را برای چه می خواهی؟

از یک شعر کردی

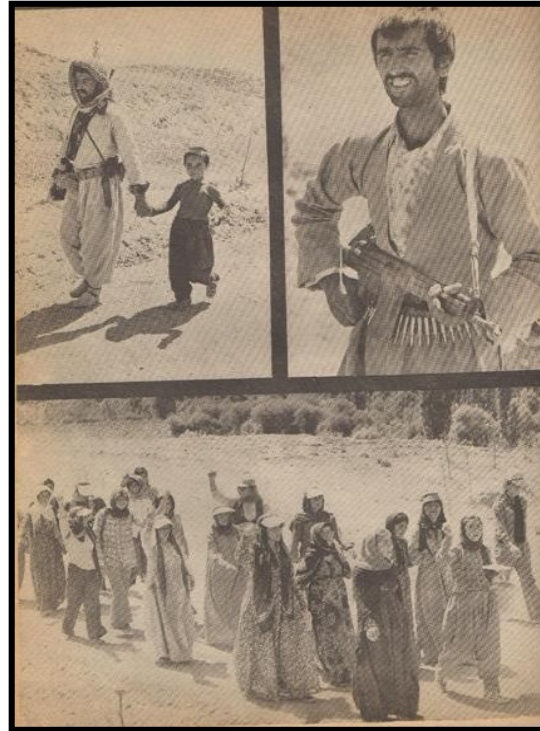


★ یورش ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان نقطه اوج یک سلسله مبارزات، درگیریها و جنگهای کوچک اما پراهمیت بود که از ماهها قبل در این خطه شکل گرفته بود.

کردستان در برابر سلطه جمهوری اسلامی از همان آغاز استقرارش نافرمانی می کرد. حتی در روزهای پر جوش و خروش پاییز ۵۷، زمانی که رهبری جنبش ضدسلطنتی در سراسر ایران عمدتاً تحت رهبری خمینی بود؛ کردستان راه خود را می رفت و به جو مسلط کاری نداشت.

جریان خمینی و دستگاه روحانیت تحت رهبریش هیچ پایگاهی در میان مردم کردستان نداشت. این واقعیت بخوبی در شعارهای تظاهراتهای توده ای ضد رژیم شاه منعکس می شد. در حالیکه در سایر نقاط ایران شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" و "درود بر خمینی" گوشها را کر می کرد، در راهپیمایی های کردستان شعار این بود "داس و چکش، بر سرنیزه پیروز می شود".

ستم ملی و مذهبی علیه توده های کرد طی سالهای طولانی حاکمیت پهلوی، عقب ماندگی اقتصادی و فقر و فلاکت زحمتکشانش شهر و روستا، بی حقوقی کامل سیاسی، تحقیر اجتماعی، استفاده از کارگران مهاجر کرد بعنوان نیروی کار فوق ارزان در انجام پروژه های عظیم دولتی و خصوصی در سراسر ایران؛ تجارب انقلابی ارزشمند، و حضور متشکل نیروهای انقلابی آتشفشان نیم خفته ای از خشم و نفرت انقلابی را در این خطه ایجاد کرده بود.



★ روز ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ مردم مهاباد به همراه نیروهای انقلابی و جوانان کمونیست به پادگان مشرف بر شهر حمله بردند و در نبردی حماسی آنرا تسخیر کردند. سلاح های سبک و سنگین بی شمار بدست مردم و جریانات سیاسی افتاد. جمهوری اسلامی این اقدام انقلابی علیه ارتش مزدور شاه را بعنوان غارت بیت المال مسلمین و اموال دولت محکوم کرد و خواهان بازگرداندن اسلحه ها و خلع سلاح مردم شد.

★ نخستین درگیری میان خلق کرد و جمهوری اسلامی تنها دو روز قبل از باصطلاح "اولین بهار آزادی" بوقوع پیوست. سنج صحنه این درگیری بود. ماجرا از آنجا آغاز شد که مردم در روز ۲۸ اسفند ماه در شهر دست به راهپیمایی زده و خواهان انحلال کمیته انقلاب اسلامی سنج شدند. در رأس این کمیته، شخصی بنام "شاطر محمد" قرار داشت که چند روز بعد از قیام بهمن در شهر قروه جنگ شیعه و سنی براه انداخته و بدست خود بسیاری را با ساتور قصابی کرده بود. مردم سنج نمی توانستند چنین مقامی را در جایگاه حافظ نظم شهر خود تحمل کنند. افراد کمیته انقلاب اسلامی سنج تظاهرکنندگان را به گلوله بستند. در این میان دو نفر کشته و جمعی زخمی شدند. شورش شهر را فراگرفت. خمپاره باران شهر آغاز شد، ارتش با سلاح سنگین و مجهز به ۷ هلیکوپتر شهر را زیر آتش گرفت. نتیجه: ۷۲ کشته و ۳۴۳ زخمی بود.

★ رژیم در نخستین آزمون سیاسی خود در این خطه شکست خورد. رفیراندوم جمهوری اسلامی در فروردین ۱۳۵۸ را مردم کردستان بطور گسترده تحریم کردند و ضد دموکراتیک و فریبکارانه بودن آنرا ابراز داشتند.

★ جمهوری اسلامی با براه اندازی جنگ میان تُرک و کُرد در استان آذربایجان غربی، سعی کرد خیزش خلق کُرد را مخدوش کند. روز ۳۱ فروردین ۵۸ جنگ نقده برپا شد. درگیریهای مسلحانه ۱۰ روز بطول انجامید. طی ۳ روز اول درگیریها، صدها نفر کشته شدند. چند روز بعد پرده دوم نمایش آغاز شد. ارتش ارتجاعی تحت عنوان "حسن نیت و میانجی گری" به میدان آمد و کشتار توده های کُرد را آغاز کرد. تعدادی از روستاها با خاک یکسان و اهالی اش آواره اردوگاهها شدند.



★ جشن اول ماه مه ۱۳۵۸ در سراسر کردستان برگزار شد، که تظاهرات ده هزار نفره در کرمانشاه تحت رهبری کمونیستها یک نمونه قدرتمند آن بود.

★ در بهار ۱۳۵۸ با حمایت و ابتکار عمل کمونیستها، "جنبش دهقانی" مناطق بسیاری از کردستان را که هنوز تحت کنترل و نفوذ فئودالهای محلی قرار داشت، در بر گرفت. جمهوری اسلامی تلاش می کرد، با خوانین مرتجع متحد شود؛ و آنها را در برابر جنبش انقلابی مردم مسلح کند.

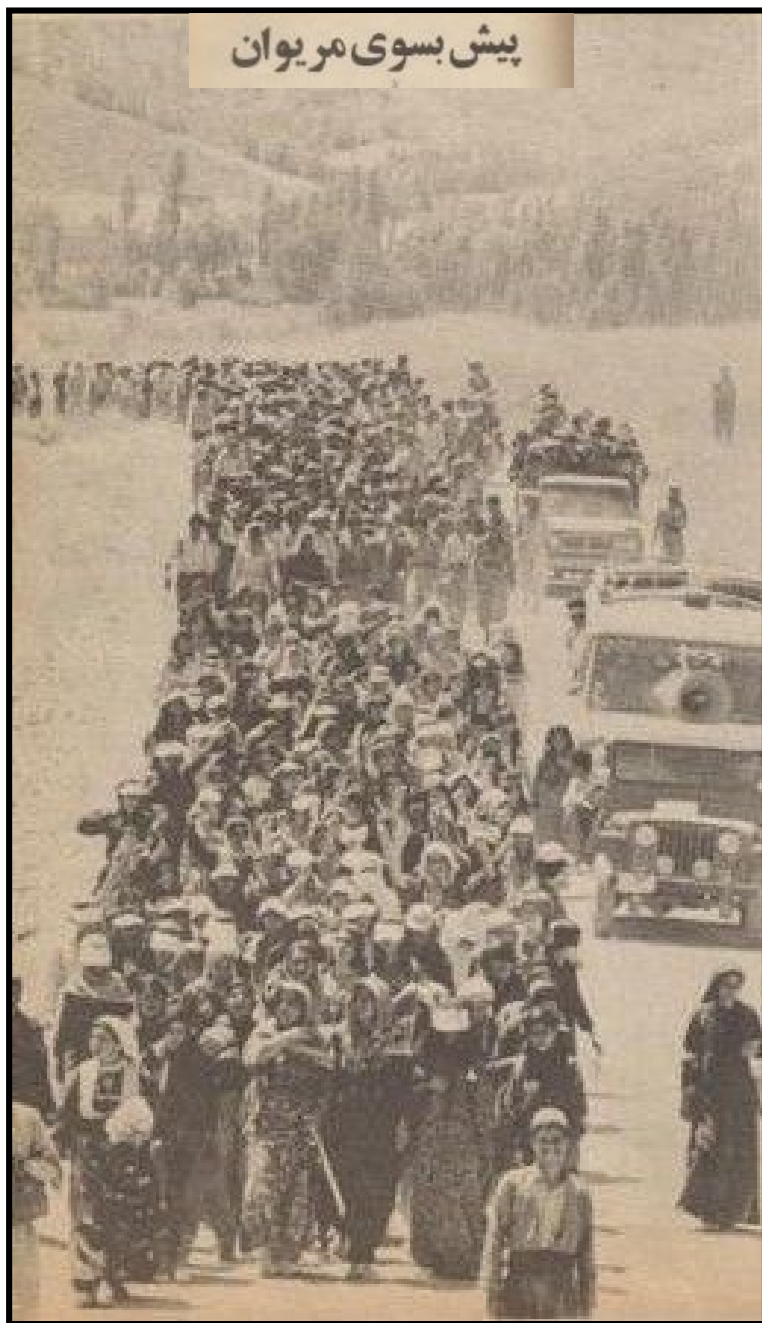
★ در روزهای ۵ و ۶ تیرماه مردم نخستین ضرب شست خود را با خلع سلاح فئودالهای منطقه "منگور" به آنها نشان دادند. روستائیان چند تن از این خانهای پرافاده را سوار بر خر کرده و با گرداندن در روستاها؛ سکه یک پولشان کردند و چند تن از سرسخت ترین هایشان توسط مردم اعدام شدند.

★ اواخر تیرماه ۵۸، مریوان شاهد یکی از پرشورترین مبارزات توده ای علیه ایجاد و استقرار پایگاههای نظامی رژیم در شهر مریوان و اطراف آن بود. اتحادیه دهقانی مریوان نقش مهمی در سازماندهی این مبارزات داشت.

مردم مریوان در اعتراض به سرکوبگریهای رژیم جدید دست به یک کوچ همگانی زدند. و ۲۹ تیر دسته جمعی شهر را ترک کرده و به دارستان - در اطراف شهر- رفتند.

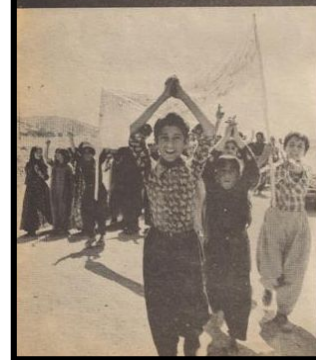
"جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب" در سنج از محلات مختلف برای مردم مریوان آذوقه جمع آوری کردند و آنها را به مریوان ارسال داشتند. ۱۶ نفر از کسانی که محموله را حمل می کردند در نزدیکی مریوان توسط نیروهای پاسدار دستگیر شدند.

روز ۵ مرداد، راهپیمایی ۵۰۰ نفره مردم از سنج به سمت مریوان آغاز شد. این راهپیمایی ابتکار جسورانه ای در رها کردن انرژی انقلابی توده های کُرد بود. تشکلات



ویژه سی امین سالگرد حمله سراسری رژیم به کردستان

توده ای چون سازمان زنان سنندج، کانون معملین و همه نیروهای انقلابی و اهالی روستاها از این راهپیمایی به حمایت پرداختند. تا رسیدن به مریوان، تعداد کسانی که به این راهپیمایی پیوستند به ۱۵ هزار نفر رسید. زمانی که صف راهپیمایی به نزدیکی پادگان رسید، ۱۶ اسیر سنندجی آزاد شدند. راهپیمایی مریوان حرکت موفق و الهام بخشی بود، این راهپیمایی پیام رسان تعمیق انقلاب در سراسر کردستان بود.



★ در مرداد ماه همین سال مبارزات دهقانان علیه تعرضات خوانین و مزدوران مسلحشان اوج گرفته بود. قوای ارتش و پاسدار می کوشیدند از هر موضوعی برای مداخله استفاده کنند. مصطفی چمران با دار و دسته سپاهی تحت فرماندهی اش قصد برقراری "سپاه ضربت" و هجوم به قوای کُرد و پیشمرگه را کرده بود. بدنبال یک رشته درگیریها و تحریکات سرانجام در ۲۳ مرداد ماه جرقه جنگ در "پاوه" زده شد. مزدوران



رژیم بدام پیشمرگان افتادند و بسختی متحمل تلفات شدند. **چمران** و چند فرمانده سپاهی دیگر در محاصره افتادند. آخرالامر او با کمک هلیکوپترهای ارتش توانست جان سالم بدر ببرد. چند روز بعد خمینی فرمان جهاد بر علیه خلق کُرد را صادر کرد. از شهرهای مختلف، هجوم پاسداران و حزب اللهی ها به کردستان آغاز شد. آنها قساوت و وحشی گری را از حد گذراندند. خلخالی به منطقه اعزام شد تا بیدادگاههای اسلامی را علیه مردم کُرد برپا دارد. دهها نفر از کمونیستها و انقلابیون و انسانهای آزاده در شهرهای مختلف در مدت کوتاهی به جوخه های اعدام سپرده شدند.

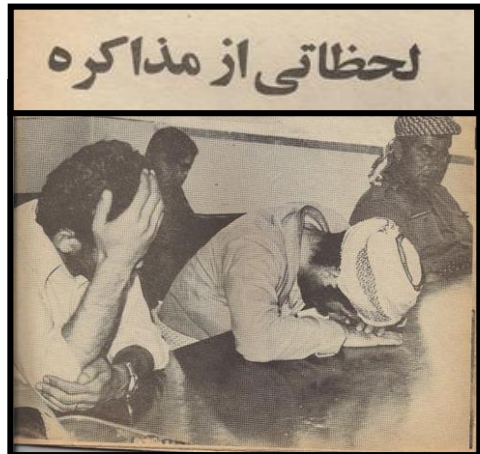
★ همزمان با این فرمان، هجوم به نیروهای مترقی و انقلابی، تشکل های توده ای، روزنامه های آزاداندیش در سراسر کشور نیز آغاز شد. پا به پای مقاومت مردم کُرد، نیروهای انقلابی در سایر نقاط به یاری کردستان شتافتند. کردستان به قلب تپنده انقلاب ایران بدل شد. دانشگاهها و مدارس به مرکز افشاگری از جنایات رژیم بدل شد، به محلی برای جمع آوری کمکهای مالی و دارویی؛ و جوانان بسیاری راهی دیار کردستان شدند تا به اشکال گوناگون به مقاومت مردم کُرد یاری رسانند. پیوندی عمیق بین جنبش انقلابی خلق کُرد با مبارزات سراسری مردم برقرار شد. در آن مقطع؛ مقاومت مردم کردستان تناسب قوا را به نفع مبارزه سراسری بر هم زد.

★ جنایات و پلیدیهای اشغالگران کردستان، بی جواب نماند. جنگ پارتیزانی در شهرهای اشغال شده، در جاده ها و روستاها آغاز شد و دشمن را به ستوه آورد. این جنگ عادلانه ای بود که به توده ها اتکا داشت و سرانجام در ۲۶ آبان ۵۸ توانست رژیم را به عقب نشینی وادارد. خمینی مجبور به قبول آتش بس شد.



توده های گرد از آتش بس شادمان شده بودند و شور و شوق فراوانی شهرها و روستاها را پر کرده بود. فضا از احساس پیروزی آکنده بود.

★ "هیأت نمایندگی خلق گرد" تشکیل شد و با هیأت «حسن نیت» اعزامی از تهران به مذاکره نشست. هیأت نمایندگی خلق گرد نخست مطالباتی را تحت عنوان مفاد خودمختاری در ۲۶ ماده در برابر هیأت دولتی گذاشت. اما هیأت دولت به بهانه جویی پرداخت و گفت که این مطالبات مردم کردستان نیست! خواسته های هیأت گرد از ۲۶ ماده به ۸ ماده کاهش یافت. عملاً در هیأت گرد اختلاف بالا گرفت. برخی نیروهای سیاسی گرد به سازشکاری روی آوردند و مانع از اقدام متحد همه مردم و جناحهای درگیر در مبارزه شدند. سرانجام دولت طرح خود را بطور دم بریده در ۶ ماده منتشر کرد و برآن نام "طرح خودگردانی" نهاد که بعدها در کردستان به نام طرح سرگردانی معروف شد!



با به بن بست رسیدن کار هیأت، جنگ در کردستان بالا گرفت و کرستان برای سی سال به صحنه مقاومت بدل شد.

★ سیر وقایع و روند تحولات سیاسی به دلایل گوناگون به گونه ای رقم خورد که حصار بی بدور انقلاب در کردستان کشیده شد. گرایشات ناسیونالیستی (گرد) و شوونیستی (عظمت طلبی فارس) تقویت شد و اتحاد میان ستمدیدگان و استثمار شدگان گرد با سایر توده های تحتانی تضعیف شد. این روند نه تنها ضربه سختی به انقلاب در سراسر ایران زد بلکه باعث عقبگردهای جدی در جنبش کردستان شد. اما بار دیگر زمینه مساعدی برای برقراری پیوند انقلابی میان مبارزات مردم گرد با مبارزات مردم در سراسر ایران برقرار شد. ایران نه تنها اسارتگاه زنان، جوانان، روشنفکران، و کارگران و زحمتشکان است، بلکه زندان ملل نیز می باشد. بدون اتحاد انقلابی، آگاهانه و داوطلبانه میان بخشهای مختلف جامعه، نمی توان از این زندان خلاصی یافت.

★ هرآنکس که طالب رهایی ستمدیدگان است، نمی تواند احترام و علاقه ای درخور به ستمدیدگان گرد نداشته باشد. هرآنکس که در پی تغییر بساط ستم و استثمار است، باید همبستگی فعال با مردم کردستان و دفاع از خواسته های برحق ملت کرد را وظیفه و ضرورتی مبرم در راه رهایی تلقی کند. باید آگاه بود و دانست که بدون اتحاد آزادانه و رفیقانه همه خلق ها و ملل ستمدیده در ایران کاروان انقلاب به سرمنزل مقصود نخواهد رسید. پیش شرط چنین اتحادی به رسمیت شناختن و مبارزه برای تأمین حق تعیین سرنوشت برای ملل ستمدیده است.

